





016390

دانشگاه الزهرا
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

۳۹۶۸۸

پایان نامه:

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته روانشناسی تربیتی

عنوان:

مقایسه جوروانی خانواده نوجوانان عادی و بزهار

استاد راهنما:

دکتر زهره خسروی

استاد مشاور:

دکتر زهرا درویزه

دانشجو:

خاتون محمودنژاد

بهمن ماه ۱۳۸۰

۳۹۶۸۸

بزرگی و شأن انسان،

در بزرگی و شأن رویاهایش،

در عظمت عشقش، در والایی ارزشهایش،

و در شادی و سرور تقسیم شده‌اش نهفته است،

بزرگی و شأن انسان،

در بزرگی شأن افکارش،

در ارزش تجسم یافته‌اش،

در چشمه‌هایی که روحش از آنها سیراب می‌گردد،

و در بینشی که بدان دست یافته، نهفته است،

بزرگی و شأن انسان،

در بزرگی و شأن حقیقتی که بر لبان جاری می‌سازد،

در یاری و مساعدتی که بذل می‌کند،

در مقصدی که می‌جوید،

و در چگونه زیستن او نهفته است.

پروردگارا! تو را شکر و سپاس می‌گویم که توفیقی به بنده
کوچک خود عطا فرمودی تا شاید بتوانم گوشه‌ای از مشکلات
قشری از نوجوانان کشورم را به وسیله آمار و ارقام بر روی کاغذ
آورم.

با سپاس فراوان از **سرکار خانم دکتر خسروی** برای
همکاری بی‌دریغ و راهنمایی‌های خردمندانه‌شان و ارشاد و
همکاری **سرکار خانم دکتر درویشه و آقای دکتر حمیدی**.
توفیق روزافزون این عزیزان را در راه خدمت به جامعه علمی
کشور عزیزمان از درگاه ایزد منان خواستارم.

در اینجا وظیفه خود می دانم از مرکز امور

مشارکت زنان وابسته به نهاد ریاست جمهوری که اعتبار

این پژوهش را تأمین کرده است، قدردانی و تشکر

نمایم.

چکیده:

در این پژوهش، جو روانی خانواده نوجوانان عادی و نوجوانان بزهکار مورد مقایسه قرار گرفته است پژوهش بر دو گروه نمونه، متشکل از ۴۰ دختر دانش آموز عادی و ۴۰ دختر بزهکار تحت پوشش کانون اصلاح و تربیت شهر شیراز (سنین ۱۵-۱۸ سال) انجام گرفت. ابزار مورد استفاده در پژوهش، «ابزار سنجش خانواده»، بود که به صورت گروهی و انفرادی مورد استفاده قرار گرفت. هدف این پژوهش، مقایسه وضعیت و شرایط خانوادگی نوجوانان عادی و بزهکار از نظر توانایی حل مشکل، میزان ارتباط اعضا، تفاهم در مورد نقشها، مهار رفتار، واکنش‌های عاطفی، مشارکت عاطفی و عملکرد عمومی خانواده بود، که توسط ابزار سنجش خانواده اندازه‌گیری شد.

نتایج پژوهش نشان داد که قدرت حل مشکل خانواده نوجوانان عادی و بزهکار متفاوت است. همچنین در زمینه واکنش‌های عاطفی، خانواده نوجوانان عادی و بزهکار با هم تفاوت دارند. و در خانواده نوجوانان عادی احساسات آسایش و مهر و محبت بیشتر بروز پیدا می‌کند در حالی که در خانواده نوجوانان بزهکار احساسات اضطرابی بیشتر ابراز می‌شود. افزون براین، نتایج نشان داد مشارکت عاطفی در خانواده نوجوانان عادی و بزهکار متفاوت است. مشارکت عاطفی در خانواده نوجوانان بزهکار، مشارکت ناشی از خود شیفتگی و به منظور ارضای احساسات خود ارزشی و یا مشارکت بیش از حد می‌باشد. همچنین عملکرد عمومی خانواده نوجوانان عادی و بزهکار نیز با هم تفاوت دارد. اما تفاوت مشاهده شده در میزان ارتباط اعضا خانواده، مهار رفتار و تفاهم در مورد نقشهای اعضای خانواده بین دو گروه معنادار نبود، و فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

د	چکیده
۱	فصل اول: مقدمه، طرح موضوع پژوهش و اهمیت آن
۲	دیباچه
۵	بیان مسئله
۷	ضرورت تحقیق
۷	اهداف پژوهش
۱۰	تعریف عملیاتی
۱۴	فصل دوم: مروری بر پیشینه پژوهش
۱۵	تعریف بزهکاری
۱۷	بزهکاری از دید حقوق و قوانین
۱۹	شیوع بزهکاری
۲۲	تفاوت‌های جنسیتی در بزهکاری
۲۴	دیدگاه‌های نظری
۲۵	نظریه‌های زیست‌شناختی
۲۶	نظریه‌های جامعه‌شناسی
۲۸	نظریه‌های روانشناختی
۳۰	نظریه فروید
۳۲	نظریه آندری
۳۲	نظریه بارت
۳۳	نظریه بالبی
۳۴	نظریه سیستمی خانواده
۳۶	عوامل بزهکاری
۴۰	خانواده و نقش آن در بزهکاری نوجوانان
۴۵	مروری بر پژوهش‌های پیشین در زمینه بزهکاری

مروری بر پژوهش‌های پیشین در زمینه بزهکاری در درون کشور ۶۳	فرضیات پژوهش..... ۷۵
فصل سوم: روش پژوهش و ابزار و مواد ۷۶	روش اجرای بررسی..... ۷۷
جامعه..... ۷۷	نمونه و روش نمونه‌گیری..... ۷۷
ابزار بررسی..... ۷۷	نمره‌گذاری آزمون FAD..... ۸۳
اجرای آزمون FAD..... ۸۳	اعتبار و پایایی FAD..... ۸۴
روش تجزیه و تحلیل آماری..... ۸۵	
فصل چهارم: تجزیه و تحلیل ۸۶	تجزیه و تحلیل اطلاعات..... ۸۷
الف) اطلاعات روان‌سنجی مربوط به ابزار بررسی..... ۸۸	اعتباریابی ابزار سنجش خانواده..... ۸۸
تعیین همبستگی خرده مقیاس‌های ابزار سنجش خانواده..... ۹۰	ب) اطلاعات مربوط به نتایج توصیفی..... ۹۸
پ) اطلاعات مربوط به نتایج استنباطی..... ۱۱۵	
فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری خلاصه و پیشنهادها ۱۳۰	بحث و نتیجه‌گیری..... ۱۳۱
محدودیت‌های پژوهش..... ۱۵۵	پیشنهادها..... ۱۵۶
منابع فارسی..... ۱۵۷	منابع انگلیسی..... ۱۶۱

فصل اول

مقدمه، طرح موضوع پژوهش

و اهمیت آن

دیباچه

یکی از مشکلات مهمی که در عصر حاضر دامنگیر کشورهای جهان، اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته می‌باشد، افزایش روزافزون بزهکاری نوجوانان است که به صورت پدیده اجتماعی معضل آفرین و آسیب‌زا جلوه‌گر شده است. بزهکاری کودکان و نوجوانان از جمله مقولات اجتماعی و تربیتی است که توجه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی و تربیتی، جرم‌شناسان و حقوقدانان را به خود جلب کرده است. زیرا اگر کودکان و نوجوانان که آینده‌سازان کشور هستند، در مسیر انحراف و بزهکاری قرار گیرند، به زودی جامعه خود را به ورطه فساد و تباهی می‌کشانند. بدون تردید جامعه‌ای قادر است در جهت ترقی گام بردارد که بتواند کودکان و نسل جوان خود را از پرتگاه فساد و تبهکاری باز دارد و آنان را به راه راست و در جهت سازندگی هدایت نماید. انسان از ابتدای خلقت خویش از نظر اقتصادی، اجتماعی، روانی و فرهنگی به هم‌نوع خود وابستگی داشته و دارد و طبق ضوابط و مقررات و نظامات اجتماعی، قلمرو فعالیت‌های وی مشخص می‌شود تا افراد به حقوق همدیگر تجاوز ننمایند، زیرا هرگونه تخطی و تجاوز به حقوق طبیعی و یا قرارداد اجتماعی جرم محسوب شده و در واقع موجبات اختلال و بی‌نظمی جامعه را فراهم نموده است. (حسینی الهاشمی؛ ۱۳۶۴)

بزهکاری اختصاص به جامعه امروزی و جدید ندارد، بلکه دارای سابقه‌ای طولانی و ممتد است. بزهکار در هر جامعه‌ای یافت می‌شود و هر اجتماعی نیز برای مشخص کردن بزهکاران خود، قوانینی را برایشان رقم می‌زند. بزهکاری نوجوانان یکی از اشکال اجتماعی ناسازگاری کودکان می‌باشد. اساساً بزهکاری یک اصطلاح روانشناسی نیست، بلکه یک مفهوم قضایی است که نظام قضایی به مجسوعه‌ای از کودکان و نوجوانان خاص اطلاق می‌کند و از نظر قانونی کلیه اشخاصی که پاره‌ای قوانین و دستورات را از سن معینی به پایین (معمولاً ۱۸ سالگی) نقض نمایند، بزهکار شناخته می‌شوند. این افراد به رفتارهایی دست می‌زنند که قوانین موجود جامعه آنها را غیر قانونی اعلام کرده است. «قصور در اطاعت از مقررات رفتاری جامعه

که منجر به بروز رفتارهای ممنوع می‌گردد ممکن است به علت انحراف موقتی از کنترل‌های یاد گرفته شده که هنوز به خوبی استقرار پیدا نکرده، باشد، از قصور در فراگیری این کنترلها سرچشمه گرفته باشد، و یا از این واقعیت ناشی شود که هنجارهای رفتاری یاد گرفته شده توسط کودک با هنجارهای آن بخش از جامعه که مقررات اجتماعی را تدوین و تنفیذ می‌کند مطابقت ندارد» (مهریار، ۱۳۷۶: ۲۴۴).

هاشمیان (۱۳۷۶) چنین می‌نویسد:

«شرایط مختلف به تنهایی یا به طور ترکیبی ممکن است در ایجاد رفتار بزهکارانه دخیل باشند. معذک بطور کلی به نظر می‌رسد که سه متغیر اصلی در اینجا وجود دارد: الف: خصوصیات شخصی، ب: الگوها و ارتباطهای تقابلی خانوادگی، ج: گروهها و خرده‌فرهنگهای بزهکار. علاوه بر این برخی از اقدامات بزهکاری ممکن است ناشی از فشارهای روانی غیرعادی باشد (۴۶۴).

علت بروز بزه در کودکان و نوجوانان منحصر به فرد نیست، بلکه همیشه چندین علت دست به دست یکدیگر داده، باعث ظهور بزه در نوجوانان می‌شود؛ و اما آنچه که نسبت به سایر عوامل اساسی‌تر تشخیص داده شده، عوامل خانوادگی مؤثر در بزهکاری است. اولین محیط برای پرورش استعداد و اعمال بزهکارانه، خانواده است، اگر کودک در خانواده سالم پرورش یابد، آراسته به خوی و رفتار نابهنجار خواهد شد و اگر در خانواده ناسالم و نابهنجار تربیت شود، بدون شک فردی نابهنجار و چه بسا بزهکار بارمی‌آید. خانواده نخستین پایگاهی است که بین کودک و محیط اطراف او پیوند به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درباره جهان فرامی‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، شیوه سخن گفتن را می‌آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام، نگرشها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود. (دانش، ۱۳۷۲).

«اگرچه بررسیهای زیادی روی ساخت خانواده و ارتباط والدین در بزهکاری نوجوانان تأکید نموده‌اند، بین بزهکاری و عوامل مربوط به پشتوانه خانوادگی رابطه متقابل کاملی وجود ندارد و اشتباه است اگر تصور کنیم همه بزهکاران دارای پشتوانه خانوادگی مشترکی هستند یا عوامل خانوادگی که با فراوانی نسبتاً زیادی در خانواده‌های افراد بزهکار دیده می‌شود، می‌توانند افراد بزهکار را از افراد غیربزهکار متمایز سازند. با این حال چندین بررسی

مشهور (مثلاً گلوک و گلوک، ۱۹۵۰، ۱۹۵۹، ۱۹۲۶ مک‌کورد و مک‌کورد، ۱۹۵۹؛ پاورویتمر، ۱۹۵۱؛ باندورا و والترز، ۱۹۵۹) روی ساخت خانواده و ارتباط والدین در بزهکاری نوجوانان تأکید نموده‌اند.» (مهریار، ۱۳۷۶: ۲۴۵).

اگر خانواده می‌تواند عامل مهم شکل‌گیری بزهکاری باشد و شرایط نامطلوب آن بزهکار پرورش می‌دهد، به همان نسبت وجود شرایط مطلوب در خانواده، رشد ذهنی، عاطفی و اجتماعی نوجوان را امکان‌پذیر ساخته، مهمترین عامل در پیشگیری از بزهکاری است.

این پژوهش گامی است در راستای تبیین علل روانی خانوادگی بزهکاری و رفتار بزهکارانه نوجوانان. در این پژوهش جو روانی خانواده نوجوانان عادی و بزهکار، در زمینه قدرت حل مشکل خانواده، ارتباط میان اعضای خانواده، نحوه مشارکت عاطفی خانواده، نحوه بروز واکنش‌های عاطفی خانواده، توانایی مهار رفتار اعضای خانواده و عملکرد کلی خانواده در مورد مقایسه قرار گرفته است. امید که این پژوهش گامی مؤثر در راه شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بزهکاری و پیشگیری از آن در میان کودکان و نوجوانان ایرانی باشد. زیرا بزهکاری نوعی بیماری است که بهتر است پیشگیری و مداوا شود نه مجازات.

بیان مسئله

طبق گزارش سازمان ملل در طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ سالیانه به طور متوسط ۵ درصد بر میزان جرایم در سطح جهان افزوده شده که بیش از میزان رشد جمعیت است، و ۶۰ تا ۷۰ درصد جرائم را کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال مرتکب شده‌اند. علاوه بر این سن اعتیاد به مواد مخدر به ۱۲ الی ۱۴ سال تقلیل یافته و انحرافات در بین کودکان کمتر از ۱۰ سال نیز رو به فزونی است (دانش، ۱۳۷۲).

میگساری، سیگار کشیدن، مصرف دارو، رفتارهای جنایت آمیز، خشونت و رفتار کنترل نشده جنسی رفتارهایی هستند که عمدتاً برای سلامتی و رشد در طول نوجوانی و جوانی مخاطره آمیز بیان شده‌اند. تحقیقات بسیاری اظهار می‌کند که بسیاری از این رفتارها با هم رخ می‌دهند و یک سبک رفتاری را تشکیل می‌دهند، به شکل تنوعی از انحراف عمومی، رفتار مسئله‌دار یا سندرم رفتار خطرناک. (Donovan and Jessor, 1985; Jessor, 1992; Osgood, Johnston, O'Malley and Bachamn, 1998) علاوه بر خطراتی که چنین رفتارهایی می‌آفرینند، مکانیک (Mechanic) (۱۹۸۳) اظهار کرده است که عملکردهای وابسته به بهداشت فرد، در طول دوره نوجوانی رشد می‌کند، که نتایج طولانی مدت برای بزرگسالان و جوانان دارد. توجه به مسایل بهداشتی، سبک‌های کنار آمدن با استرس، و الگوهای پاسخ‌دهی به فشارهای محیطی در طی سالهای نوجوانی رشد می‌کند و اساس این مسئله می‌شود که فرد در سالهای بعدی چگونه به نیازهای چالش برانگیز رشدی خود، پاسخ می‌دهد و تا چه حدی فرد، یک فرد خودمستول در سالهای آینده خواهد شد. بنابراین رفتارهایی که سلامت را به مخاطره می‌اندازد، نه تنها مفاهیم تلویحی برای وضعیت فعلی بهداشت و سلامت فرد دارد، بلکه سبک‌های رفتاری آینده فرد را هم در زمینه مسایل مرتبط با بهداشت روانی مشخص می‌کند (Fisher and, 1998).

مسئولیت جامعه در مورد کودکان و جوانان بزهکار و در حالت معرض خطر به مراتب سنگین‌تر از مجرمین بزرگسال است، چنانکه در اصلاح و تربیت و یا درمان آنان سهل‌انگاری شود جزو جنایتکاران خطرناک در خواهند آمد، زیرا اکثر بزهکاران حرفه‌ای خطرناک از بین کسانی هستند که اولین جرم خود را در سنین طفولیت مرتکب شده‌اند. همواره پیشگیری مهمتر از درمان

است و پیشگیری و درمان باید بر پایه اطلاعات دقیق باشد، بنابراین هر نوع اقدامی در مورد بزهاکاران نوجوان باید مبتنی بر تشخیص دقیق و توجه به علل بروز بزهاکاری باشد. (دانه‌کار، ۱۳۷۲)

خانواده یکی از گروههایی است که رفتار فرد را تا حدودی معین می‌کند و به آن شکل می‌دهد. بنابراین اگر اعضاء خانواده درست تربیت نیافته باشند، ممکن است موجب گرایش او به کجروی شوند. اکثر محققین در این مسئله که علت اساسی بزهاکاری خردسالان و نوجوانان را باید در محیط خانوادگی جویا شد، توافق دارند (Glueck and Glueck, 1950; Mccord, 1959; Burt, 1965; Hartjen, 1982; Fawzi, 1984; Duncan, 1978). معتقد است اثر شوم تعارض و عدم توافق بین پدر و مادر بر روی فرزندان احتیاج به بسط و تفسیر ندارد. وی همچنین طی پژوهشی بر روی نوجوانان بزهاکار و غیربزهاکار، اظهار کرد که یک سوم از نوجوانان بزهاکار و دو سوم از نوجوانان غیربزهاکار، روابط عاطفی مناسبی با والدین خود داشته‌اند.

در این پژوهش جو روانی خانواده نوجوانان بزهاکار و نوجوانان عادی مقایسه شده است. جامعه آماری پژوهش، نوجوانان دختر دبیرستانهای شهر شیراز و دختران بزهاکار ساکن کانون اصلاح و تربیت شهر شیراز می‌باشد. مسایل مورد بررسی در پژوهش عبارتند از:

- ۱- آیا بین خانواده‌های نوجوانان عادی و بزهاکار از نظر قدرت حل مشکل خانواده تفاوت وجود دارد؟
- ۲- آیا بین خانواده‌های نوجوانان عادی و بزهاکار از نظر ارتباط اعضاء تفاوت وجود دارد؟
- ۳- آیا بین خانواده‌های نوجوانان عادی و بزهاکار از نظر تفاهم در مورد نقش‌های اعضای خانواده تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا بین خانواده‌های نوجوانان عادی و بزهاکار از نظر مشارکت عاطفی تفاوت وجود دارد؟
- ۵- آیا بین وضعیت واکنش‌های عاطفی اعضای خانواده‌های نوجوانان عادی و بزهاکار تفاوت وجود دارد؟
- ۶- آیا بین میزان مهار رفتار اعضاء در خانواده‌های نوجوانان عادی و بزهاکار تفاوت وجود دارد؟
- ۷- آیا عملکرد کلی خانواده‌های نوجوانان عادی و بزهاکار با هم تفاوت دارد؟

ضرورت تحقیق:

دانشمندان علوم اجتماعی و تربیتی، جرم شناسان، حقوقدانان و از همه مهمتر پدران و مادران هر یک از جهتی مایل به آشنایی بیشتر با نوع و خصوصیات رفتار ضد اجتماعی نسل جوان هستند.

دانشمندان علوم تربیتی و اجتماعی از دید تحقیق و مطالعه به مسئله می‌نگرند و بیشتر در صدد این هستند تا با روشن نمودن علل پنهانی بزهکاری نوجوانان، راه‌حل‌های مثبت و مساعدی برای درمان و پیشگیری به دست آورند و پدران و مادران با اضطراب و نگرانی بسیار در پی راه‌چاره‌ای می‌گردند که فرزندان خود را از خطر فساد و تباهی نجات بخشید. از آنجایی که معالجه بیمار بدون تشخیص بیماری او میسر نیست و به کار بردن دارویی که برای مریض مناسب نباشد، ممکن است حیات او را به خطر اندازد، در مورد بزهکاران نوجوان هر نوع اقدامی باید مبتنی بر تشخیص مورد توجه به شدت و ضعف آن باشد. علاوه براین همواره پیشگیری مهمتر از درمان است، بنابراین برای جلوگیری و مبارزه صحیح علیه بزهکاری نوجوانان باید ریشه پیدایش بزهکاری را از میان برداشت. (حسینی الهاشمی، ۱۳۶۴)

در پژوهش حاضر سعی شده است عوامل روانی که در خانواده به طریقی در افزایش میزان بزهکاری نوجوانان موثرند، مورد بررسی قرار گیرد. تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که خانواده نقش مهم و اساسی در شکل‌گیری بزهکاری دارد، تحقیق حاضر در جهت مشخص‌تر نمودن نقش خانواده در شکل‌گیری بزهکاری به تأثیرات مشارکت عاطفی، واکنش عاطفی، ارتباط اعضا، نقشها، مهار رفتار اعضا، عملکرد کلی و قدرت حل مشکل خانواده می‌پردازد.

اهداف پژوهش

یکی از مسایل پیچیده و عمده اجتماعی که توجه بسیاری از محققین را به خود معطوف داشته، موضوع مجرمین کم سن و سال و یا به اصطلاح، اطفال و نوجوانان بزهکار، می‌باشد که روز به روز گسترش بیشتری می‌یابد و سلامت و رشد افراد جامعه و بخصوص نوجوانان و جوانان را تهدید می‌نماید. آمارهای انتشار یافته نشان می‌دهد که علیرغم بهبود وضع زندگی و معیشتی